



Research Article

## Feasibility of Obligating the Guardian Council to Adhere to Its Previous Precedents

Vahid Heydari<sup>1\*</sup>, Hamed Nikoonahad<sup>2</sup>, Kamal Kadkhodamoradi<sup>3</sup>

1. Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Law, University of ImamSadiq University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Public Law and Economic Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
3. Ph.D. Student in Public Law, Faculty of Law, University of ImamSadiq University, Tehran, Iran

Article history:

Received: 26-08-2024

Accepted: 21-04-2025

### Abstract

#### Introduction

As the guardian of the legal framework of the Islamic Republic of Iran, the Guardian Council plays a crucial role in the normative legal process through core functions such as the interpretation of the Constitution, supervision of the conformity or inconsistency of legislation with the Constitution and Islamic law (Shari'a), and review of the compatibility of executive regulations with Shari'a. In fulfilling these responsibilities, the Council has, in some instances, considered itself bound by its previous opinions or jurisprudential precedents when reviewing referred legislation (bills and proposals approved by the Islamic Consultative Assembly) or religious inquiries from the Administrative Court of Justice. However, there are also cases where, despite the similarity between the legislation under review and prior cases, the Council has issued opinions contradicting its earlier positions. The intersection of cases in which the Guardian Council adhered

Please cite this article as:

Heydari, V., Nikoonahad, H., Kadkhodamoradi, K (2026). Feasibility of Obligating the Guardian Council to Adhere to Its Previous Precedents. *Journal of Legal Studies*, 18(1), 121-152. <https://doi:10.22099/JLS.2025.51085.5205>.

\* Corresponding author:

E-mail address: [v.heydari@isu.ac.ir](mailto:v.heydari@isu.ac.ir)

to its previous rulings and those in which it departed from its precedent—despite substantive similarities—has prompted inquiry into the underlying logic governing the Council’s decision-making. This raises the central research question: “To what extent can the Guardian Council be legally compelled to follow its previous precedents in similar cases?” Examining the Council’s jurisprudence over more than four decades offers valuable insights into the performance and internal logic of this institution.

### **Methods**

This study adopts a jurisprudential-analytical method, with data collected through documentary and library-based research. The Council’s decisions are analyzed with the aim of extracting a precedent-oriented rationale. The presentation of various interpretive approaches in this study is based on this analytical framework. The proposed solution—formulating a general principle of adherence with narrowly defined exceptions—is also derived from the precedent-based analysis conducted.

### **Results and discussion**

Three primary approaches emerge regarding the feasibility of compelling the Guardian Council to follow its prior precedents:

1. The adherence approach, which advocates that the Council should follow its previous rulings in similar cases, based on the necessity of maintaining legal certainty and stability, and ensuring the predictability of legal norms.
2. The dynamic interpretation approach, which emphasizes the evolving nature of the Council’s legal reasoning. This view highlights the institutional structure and the rotating composition of the Council’s members and argues that binding the Council to its past positions would hinder the necessary dynamism of the legal system.
3. The qualified adherence approach, which presumes adherence to previous precedent as the default rule, but allows for deviation only when justified by clear and objective grounds—such as constitutional amendments, the issuance of general state policies, governmentally mandated rulings (*ḥukm ḥukūmatī*), or when the Council provides well-documented and substantiated reasoning for departing from precedent.

### **Conclusions**

Institutionalizing the principle of precedent adherence—subject to exceptional and justified deviation—would enable the legislature to more effectively anticipate and respond to potential objections from the Guardian Council. This would improve the efficiency of the legislative process and reduce the likelihood of prolonged lawmaking cycles or the passage of

ineffective or unconstitutional laws. If legislators are able to predict likely objections in advance, they can draft laws in a way that preempts foreseeable challenges by the Council. In regulatory contexts, two key outcomes would follow: (1) decisions of the Guardian Council could serve as persuasive precedent in proceedings before the Administrative Court of Justice, and (2) the court would be able to adjudicate such cases more efficiently, with reduced procedural delays. Regulators could avoid enacting provisions previously deemed incompatible with Shari‘a, and citizens would be less likely to file complaints that are predictably doomed to failure based on existing precedent. Moreover, the application of the Guardian Council's precedent would not be limited solely to the review of legislation in light of Islamic principles and constitutional norms; it could also be extended to electoral supervision. Future research should explore key follow-up questions such as: What would be the implications of binding the Guardian Council to its precedents for the legislative system? To what extent does adherence to precedent shape the structure of lawmaking in Iran? Additionally, could the Council be held legally accountable—whether civilly or politically—for unjustified departures from its core precedents?

**Keywords:** Constitutional precedent; constitutional adjudication; Guardian Council jurisprudence; legal system stability; legal adaptability.

دوره هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۵

JLS

## مجله مطالعات حقوقی

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>  
doi: <https://10.22099/JLS.2025.51085.5205>

مقاله پژوهشی

## امکان سنجی الزام شورای نگهبان به پیروی از رویه سابق

وحید حیدری<sup>۱</sup>، حامد نیکونهاد<sup>۲</sup>، کمال کدخدامرادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه حقوق عمومی و حقوق اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

اطلاعات مقاله

## چکیده

مقدمه: شورای نگهبان در جایگاه پاسدار نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با کارویژه‌های مهمی از جمله «تفسیر قانون اساسی»، «نظارت بر مطابقت و عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی و شرع» و «عدم مغایرت مقررات دولتی با شرع» از شریعت و قانون اساسی در چرخه قاعده‌گذاری حقوقی پاسداری می‌کند. در برخی نظرات، شورای نگهبان در بررسی مصوبه ارجاعی (طرح و لایحه مصوب مجلس یا استعلام شرعی دیوان عدالت اداری)، خود را پای‌بند به نظر یا رویه سابق دانسته است. در عین حال، مواردی نیز وجود دارد که شورا علی‌رغم شباهت مصوبه مورد نظارت با مصوبه پیشین نظر داده؛ اظهارنظری برخلاف رویه خود کرده است. تلاقی مواردی که شورای نگهبان در بررسی طرح و لایحه مصوب مجلس شورای اسلامی یا استعلام شرعی دیوان عدالت اداری، خود را پای‌بند به نظر یا رویه سابق دانسته با مواردی که این شورا علی‌رغم شباهت مصوبه مورد نظارت با موضوعات نظارت شده پیشین، اظهارنظری برخلاف رویه خود داشته، موجب شده که منطبق حاکم بر صدور این نظرات از سوی شورای نگهبان مورد توجه و سپس تحلیل و بررسی قرار گیرد.

استناد به این مقاله:

حیدری، وحید؛ نیکونهاد، حامد و کدخدامرادی، کمال (۱۴۰۵). امکان‌سنجی الزام شورای نگهبان به پیروی از رویه سابق. *مجله مطالعات حقوقی*. ۱۸. (۱). ۱۵۲-۱۲۱.

E-mail address: v.heydari@isu.ac.ir

\* نویسنده مسئول:

به دیگر کلام، بررسی سیر نظرات شورای نگهبان در خصوص موضوعات مشابه، زمینه توجه به این سؤال را فراهم آورده که «آیا می‌توان شورای نگهبان را به پیروی از رویه سابق خود در موضوعات مشابه ملزم کرد؟» مطالعات مربوط به رویه‌ی شورای نگهبان در طول بیش از چهار دهه از فعالیت آن، با هدف آگاهی از عملکرد این نهاد می‌تواند بسیار مفید باشد.

**روش‌ها:** پژوهش حاضر با کاربست روش تحلیل رویه‌ای و جمع‌آوری داده‌ها با ابزار مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای انجام یافته است. تجزیه و تحلیل نظرات شورای نگهبان با هدف اقتباس منطق رویه‌محور انجام یافته و طرح رویکردهای موجود این در پژوهش نیز مبتنی بر برداشتهای مزبور است. راه‌کار پیشنهادی مبنی بر تأسیس اصل و تبیین استثناء در انتهای تحقیق نیز از رهگذر تحلیل رویه‌ای اشراپ شده است.

**یافته‌ها:** در خصوص امکان‌سنجی الزام شورای نگهبان به پیروی از رویه سابق، می‌توان سه رویکرد در این باره مطرح نمود؛ نخست، رویکرد پیروی از رویه سابق توسط شورای نگهبان در موضوعات مشابه است که با استناد به لزوم صیانت از ثبات و امنیت نظام حقوقی و نیز لزوم پیش‌بینی‌پذیر بودن قواعد حقوقی التزام به رویه را لازم می‌داند و دوم، رویکردی است که با اقتضاء تحول‌پذیری نظرات این نهاد در مقابل نظرات سابق خود، با استناد به ساختار نهاد شورای نگهبان و ترکیب اعضای آن و نیز ضرورت تأمین پویایی نظام حقوقی، انقیاد در برابر رویه سابق را ناممکن می‌داند و واپسین رویکرد نیز اصل را بر لزوم تبعیت شورای نگهبان از رویه پیشین گذاشته و عدول از آن را تنها با رعایت ضوابط و اثبات جهات موجهه‌ای نظیر «اصلاح قانون اساسی»، «ابلاغ سیاست‌های کلی نظام»، «احکام حکومتی» و «ارائه مستندات و مبانی عدول از رویه در نظرات» مورد شناسایی قرار می‌دهد.

**نتیجه‌گیری:** تثبیت اصل رویه‌مندی و خروج از آن در حالات استثنائی، موجب آن است تا مقنن بتواند بر اساس آن عملکرد خود را تنظیم کند و موضوعات مغایر با شرع و قانون اساسی را پیش‌بینی نماید، همچنین مانع بروز مشکلات و چالش‌های متعدد در فرآیند قانون‌گذاری مانند طولانی‌شدن تقنین، تصویب قوانین نامطلوب و ناکارآمد می‌شود؛ زیرا اگر مقنن از قبل بداند که با چه ایرادی مواجه خواهد شد، می‌تواند احکام قانون را به نحوی تنظیم کند که خلأ پیش‌آمده از ایراد احتمالی شورای نگهبان را به نحو دیگری از قبل مرتفع کند. همچنین در خصوص مقررات نیز، اولاً امکان استناد به رویه شورا در دیوان عدالت اداری به وجود می‌آید و ثانیاً دیوان می‌تواند با اطلاع دادرسی کمتری به پرونده‌ها رسیدگی نماید. از سوی دیگر، مقررات‌گذاران نیز می‌توانند از تصویب مقرراتی که طبق رویه مغایر با شرع به

نظر می‌رسند خودداری کنند و شهروندان نیز از طرح شکایاتی که نتیجه آن اعلام عدم مغایرت مقررات با شرع است، پرهیز نمایند. همچنین، استناد به رویه شورای نگهبان نه تنها در رابطه با بررسی مصوبات از منظر موازین شرعی و اصول قانون اساسی قابل بررسی است بلکه می‌توان از ظرفیت این امر در بحث نظارت بر انتخابات نیز بهره برد. از جمله سوال‌هایی که شایسته است در امتداد این موضوع و در پژوهش‌های بعدی به آن‌ها پرداخته شود آنکه، تأثیرات تن دادن به چنین التزامی به رویه از سوی شورای نگهبان چیست و چه نتیجه‌ای عاید نظام قانون‌گذاری می‌کند؟ شاکله نظام قانون‌گذاری چه مقدار تحت تأثیر پابندی شورای نگهبان به رویه اساسی خویش است؟ دیگر آنکه، آیا می‌توان برای شورای نگهبان مسئولیتی حقوقی (اعم از مدنی و سیاسی) ناشی از تغییر رویه‌های اساسی خود شناسایی کرد؟

**واژگان کلیدی:** رویه اساسی، دادرسی اساسی، رویه شورای نگهبان، ثبات نظام حقوقی، تحول‌پذیری.

## سرآغاز

بر اساس اصول ۴، ۹۴ و ۹۸ قانون اساسی، وظیفه نظارت بر کلیه قوانین و مقررات از حیث عدم مغایرت با موازین اسلامی، نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی و موازین اسلامی و نیز تفسیر قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان نهاده شده است. عمده این کار ویژه‌ها در نظرات این شورا اعم از نظرات تفسیری (موضوع اصل ۹۸ قانون اساسی)، نظرات تطبیقی (تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی)، نظرات مشورتی (نظراتی که نصاب لازم تفسیر را کسب نمی‌کنند) و نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان (موضوع اصل ۴ قانون اساسی) منعکس می‌شود. با مطالعه اظهار نظرها، شورای نگهبان این مطلب به دست می‌آید که در برخی از اظهار نظرها، شورای نگهبان در بررسی مصوبه ارجاعی (طرح و لایحه مصوب مجلس یا استعلام شرعی دیوان عدالت اداری)، خود را پایبند به نظر یا رویه سابق دانسته است. به طور نمونه می‌توان به نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۱۷۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ شورای نگهبان پیرامون «طرح سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی عالی کشور» مصوب ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در خصوص ماده (۲) آن<sup>۱</sup>، این‌گونه ابراز نظر کرده که: «۱- همان‌گونه که در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۱۵۶۴ مورخ ۱۳۹۲/۵/۳۰ این شورا آمده است «انجام کلیه وظایف و اختیارات مقرر در این قانون باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد» و الا اطلاق ماده (۲)، مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی است...». شورای نگهبان همچنین در اظهار نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۱۶۹۶ مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۵ راجع به «طرح الحاق سه بند به مواد (۲) و (۴)

۱. «ماده ۲- برنامه‌ریزی، تصویب مقررات، هماهنگی و نظارت بر نحوه سنجش و پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی به شورای سنجش و پذیرش دانشجو تحصیلات تکمیلی به شورای سنجش و پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها با ترکیب زیر واگذار می‌شود...»

قانون تشکیل شورای عالی اشتغال» مصوب ۱۳۹۳/۵/۱ مجلس شورای اسلامی، عضویت سرپرست کمیته امداد امام خمینی (ره) با حق رأی در بند (الف) الحاقی به ماده (۲) را با اشاره به اینکه پیش از آن و در نظر شماره ۷۷/۲۱/۲۸۵۴ مورخ ۱۳۷۷/۰۳/۱۰ این شورا آمده است، مغایر با اصل ۶۰ قانون اساسی قلمداد می‌کند. گفتنی است که شورا در نظر شماره ۱۳۹۶/۱۰۲/۱۷۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۸ راجع به مواد ۱۲ و ۳۳ اصلاح «آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه» نیز مبنای اعلام نظر خود را نظر سابق خود قرار داده و این‌گونه بیان می‌کند که «همان‌طور که در نظر قبلی که طی شماره ۹۲/۳۰/۵۱۸۵۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۸ اعلام شده، آمده است؛ اطلاق ماده ۱۲ و بندهای (۱) الی (۶) ماده ۳۲ مورد شکایت از این جهت که اختیارات متولی خاصی که امین باشد را مشروط به تأیید نماینده ولی فقیه در سازمان کرده است خلاف موازین شرع شناخته شد». این ترتیب، مختص «نظرات تطبیقی»<sup>۱</sup> (کدخدایی و بهادری جهرمی، ۱۳۹۷: ۱۶۴) شورای نگهبان نبوده و در خصوص نظرات تفسیری آن نیز قابل مشاهده است؛ به‌طور نمونه به تفاسیر شورا در ذیل اصل ۱۴۱ قانون اساسی می‌توان اشاره کرد. شورا در نظر تفسیری شماره ۳۵۸۷ به تاریخ ۱۳۶۴/۳/۲۸ در پاسخ به استفسار رئیس مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نظر تفسیری شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ اقدام به تفسیر اصل ۱۴۱ قانون اساسی کرد.<sup>۲</sup> با بررسی نظرات فوق و نیز سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص،<sup>۳</sup> ضمن توجه

۱. مقصود نظراتی است که شورای نگهبان در مقام تطبیق و بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی در راستای حراست از موازین اسلامی و قانون اساسی صادر می‌کند.

۲. «... جواز سرپرستی نخست‌وزیر نسبت به وزارتخانه‌های فاقد وزیر به موافقت ریاست جمهوری و تصویب مجلس احتیاج دارد، در این خصوص قبلاً هم طی شماره ۳۱۳۷ مورخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۹ در پاسخ مقام محترم ریاست جمهوری به همین نحو اعلام نظر شده است».

۳. در این باره می‌توان به نظرات ذیل اشاره کرد:

- اظهار نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۲۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۶ راجع به ماده ۶۹ آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین

به اینکه میان این دست از نظرات با موارد یاد شده مشابهت وجود دارد، ضروری است تا منطق حاکم بر صدور این نظرات از سوی شورای نگهبان مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. این در حالی است که در برخی دیگر از اظهارنظرها، علیرغم مشابه بودن موضوعات، شورای نگهبان به نظرات و رویه سابق خود پایبند نبوده و اظهارنظری برخلاف نظر سابق خود ارائه کرده است. تفاوت در اظهارنظرها و مالاً تغییر رویه‌های صورت پذیرفته موجبات طرح این سؤال را فراهم می‌آورد که «آیا می‌توان شورای نگهبان را به پیروی از رویه سابق خود در موضوعات مشابه ملزم کرد یا خیر؟»

گفتنی است که رویه در نظام حقوقی ایران تاکنون با وصف «قضایی» مورد شناسایی قرار گرفته است و صحبت از «رویه شورای نگهبان» و آثار آن، متوقف بر ارائه تعریفی از رویه این نهاد است. از آنجایی که رویه قضایی به «مجموعه آرا و تصمیماتی اطلاق

- اظهارنظر شماره ۸۸/۳۰/۳۲۲۴۱ مورخ ۱۳۸۸/۲/۶ راجع به «لایحه ایجاد یک منطقه آزاد تجاری - صنعتی و بیست‌وسه منطقه ویژه اقتصادی» مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/ex1SU>)
- اظهارنظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ راجع به «لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور» مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۲۰ مجلس شورای اسلامی. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/FHyD6>)
- اظهارنظر شماره ۹۱/۳۰/۴۹۳۱۸ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۱ راجع به طرح ممنوعیت اشتغال به بیش از یک شغل. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/j00Ib>)
- اظهارنظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ راجع به «طرح اصلاح مواد (۳۵) و (۵۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/q8VCQ>)
- اظهارنظر شماره ۸۶/۳۰/۲۵۴۴۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۵ راجع به لایحه مالیات بر ارزش افزوده. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/nrnIt>)
- اظهارنظر شماره ۱۳۱۲ مورخ ۱۳۷۰/۳/۱۲ راجع به طرح اصلاح قانون دیوان محاسبات کشور. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/Dv1QC>)
- اظهارنظر شماره ۰۱۰۱ مورخ ۱۳۶۹/۲/۵ راجع به لایحه اصلاح ماده ۲۲ قانون مطبوعات. (برای مشاهده رجوع کنید به: <https://slink.shora-gc.ir/sfRoa>)

می‌شود که دادگاه‌ها در مورد یک موضوع و موضوعات مشابه اتخاذ می‌کنند» (هاشمی، ۱۳۹۳: ج ۲، ۴۲۲) می‌توان همین تناظر را در خصوص رویه شورای نگهبان مورد لحاظ قرار داده و رویه این نهاد را آرا و نظراتی دانست که شورای نگهبان در موضوعات مشابه صادر کرده است.<sup>۱</sup> بر این اساس، وقتی در خصوص رویه شورای نگهبان و امکان التزام یا عدم آن در باب امکان الزام دولت به ارائه لایحه از سوی مجلس شورای اسلامی در یک مصوبه مجلس سخن به میان می‌آید بحث بر سر آن است که آیا نظرات پیشین و آرا سابق شورای نگهبان پیرامون این مسئله، قابلیت استناد دارند یا خیر؟ آیا شورای نگهبان بایستی از احکام صادرشده پیشین (ایراد یا عدم ایراد) تبعیت کند؟ بنابراین و همان‌گونه که با ارائه مثال بیان شد، آرا و نظرات سابق شورای نگهبان پیرامون موضوعات و مسائل مشابه، رویه این نهاد نام دارد.<sup>۲</sup>

در باب اهمیت موضوع حاضر، همین بس که بررسی مقوله رویه در هر نظام حقوقی‌ای، به‌مثابه عرصه‌ای که ثبات حقوقی و انسجام برخاسته از آن از یک‌سو و

---

۱. اگرچه که بررسی ماهیت رویه دادرسی اساسی به لحاظ ضوابط موضوعی و ماهوی نیازمند تحقیق مفصل دیگری است اما برداشت ارائه شده از رویه در این نگاشته، به لحاظ تطبیقی مؤید به تأییداتی است؛ از جمله آن‌که «Precedent» و «Stare decisis» به‌عنوان مفاهیم نمایانگر رویه در نظام‌های حقوقی نوشته و نانوشته قابل مطالعه است. در این باره می‌توان به آثار ذیل مراجعه کرد:

- Spaic, B. (2018). The authority of precedents in civil law systems. *studia luridica lublinensia*, XXVII (1), 27-44.
- Stevens, K. (2016). reasoning by precedents. a thesis for Ma students as requirements for Phd degree, MacMaster university.
- Waldron, J. (2012). Stare decision and the rule of law: a layered approach. *Michigan law review*, 111 (1), 1-32.

۲. البته بحث و بررسی در خصوص ماهیت رویه شورای نگهبان، چپستی و ارکان شناسایی آن به همین مختصر منتهی نمی‌شود و پرداختن به آن مستلزم انجام تحقیقی دیگر است. مضاف بر اینکه اثر ذیل در بازشناسی رویه شورای نگهبان به‌مثابه مصداقی از رویه اساسی قابلیت استفاده و مطالعه بیشتر دارد:

- نیکونهاد، حامد، دنباله نانوشته اصول نوشته قانون اساسی؛ نگاهی تحلیلی به پیدایش، اعتبار و مصادیق رویه‌های اساسی در تجربه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی اصول نانوشته قانون اساسی، ۱۳۹۷.

روزآمدی حقوقی و پویایی حاصل از آن از سوی دیگر، با هم در تنازع هستند قابل توجه و اعتناست؛ و این اهمیت در بررسی رویه شورای نگهبان به عنوان دادرس اساسی و در جایگاه صیانت کننده از موازین شرعی و اصول قانون اساسی زائدالوصف است. توضیح بیشتر آنکه، اثبات التزام شورای نگهبان به رویه پیشین خود، فرایند قانون گذاری را ارتقا داده و قوانین مطلوب و کارآمدی را تقدیم نظام حقوقی خواهد کرد؛ زیرا اگر مقنن از قبل بداند که با چه ایرادی مواجه خواهد شد، می تواند احکام قانون را به نحوی تنظیم کند که خلأ پیش آمده از ایراد احتمالی شورای نگهبان را به نحو دیگری از قبل مرتفع کرده باشد. در مقابل، تقویت ادله استقلال شورای نگهبان از موارد مشابهی که سابقاً بدان حکم کرده، موجب آن خواهد بود که رعایت اقتضائات روز، وصف انفکاک ناپذیر نظام تقنینی باشد.

در خصوص پیشینه موضوع، گفتنی است که تاکنون صرفاً مقاله «جایگاه التزام نسبت به رویه در الگوهای نظارت بر قانون اساسی در جهان و ایران» (محمدی کسجین، فراهانی و فتاحی زفرقندی، ۱۴۰۲: ۹۱-۱۲۲) نگاشته شده است. فارغ از اینکه بخش اعظمی از مقاله فوق، به توصیف جایگاه رویه قضایی دادرس اساسی در برخی از کشورهای جهان اختصاص یافته، نوشتار حاضر دیدگاه و رویکرد متفاوتی را در تحلیل موضوع در خصوص نظام حقوقی ایران، اتخاذ کرده که با نتیجه آن مقاله تفاوت دارد و در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. از همین رو، پژوهش حاضر واجد وصف نوآوری و بدیع بودن است و انجام آن در راستای ارزیابی و جهات استناد شورای نگهبان به نظرهای پیشین خود ضروری و با اهمیت خواهد بود.

در مقام پاسخ به سؤال اصلی، پژوهش پیش رو با اتخاذ روش تحلیل رویه ای و با انجام مطالعات کتابخانه ای انجام یافته و مطالب آن در سه محور ارائه خواهد شد. در محور نخست، رویکرد «انقیاد در برابر رویه سابق» مطرح شده و ادله آن ارائه می شود. محور دوم در بردارنده دیدگاه «لزوم تحول پذیری شورای نگهبان و عدم پایبندی به رویه سابق» و استدلال های آن است و در واپسین محور، رویکرد مختار پژوهش ارائه می شود.

## ۱. انقیاد شورای نگهبان در برابر رویه سابق

بر اساس این رویکرد، ضروری است تا شورای نگهبان از رویه سابق خود در اظهارنظر پیرامون نظارت بر قوانین و مقررات تخطی نکند. با این توضیح که در رابطه با هر مصوبه مجلس شورای اسلامی و یا مقررره مورد استعلام، شورای نگهبان باید سعی کند تا این موضوع را دریابد که آیا رویه‌ای در آن زمینه از این نهاد موجود است یا خیر. اگر رویه‌ای در خصوص آن موضوع وجود نداشت، طبیعتاً مسئله التزام یا عدم التزام نسبت به نظرات سابق مطرح نخواهد شد اما چنانچه رویه‌ای در سابق شکل گرفته باشد، اصل بر آن است که شورای نگهبان ملزم به تبعیت از رویه بوده و نظر خود را در مسئله جدید مطابق با رویه سابق ابراز کند. در ادامه، ادله و مبانی که این دیدگاه مبتنی بر آن بر ضرورت التزام نسبت به رویه سابق تأکید می‌ورزد ارائه می‌شود.

### ۱-۱. حفظ ثبات نظام حقوقی و تضمین امنیت حقوقی

حفظ ثبات نظام حقوقی و تأمین امنیت حقوقی مقتضی آن است که قوانین یا مقررات از استحکام و پایداری قابل‌اطمینانی برخوردار باشند. احترام به هنجارها و رویه‌های حقوقی و قضایی در نظام حقوقی از آثار و نتایج این اصل است (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۹-۱۰۰). اصولاً تغییر در مفاد قانون - جز در مواردی که نیازمند اصلاح و تغییر است - برخلاف مقتضای علم حقوق و فلسفه وضع قانون است که ایجاد نظم و تعیین حقوق و تکالیف تابعان از ارکان آن به شمار می‌رود (زندیه و نیکونهاد، ۱۳۹۸: ۱۱۸). به عبارت دیگر، نمی‌توان از ثبات نظام حقوقی چشم‌پوشی کرده و حکم به جواز تغییر و تحول هنجارهای حقوقی‌ای کرد که روندها و فرایندهای منظمی را در جهت اداره امور اجتماع تجسم بخشیده‌اند. از آنجایی که آرا و نظرات شورای نگهبان واجد وصف

الزام‌آوری است<sup>۱</sup> و مجلس شورای اسلامی برای قانون شدن مصوبات خود نیازمند تأمین نظر این نهاد و رعایت آن‌ها است، بنابراین این آرا در ساخت روندها و فرایندهای نظام حقوقی مؤثرند و نبایستی این شورا در نظرات آتی خود در موضوعات مشابه، هنجارهای پیشین را تغییر داده و ثبات ناشی از آن‌ها را متزلزل سازد. ضرورت مزبور از آن‌رو است که ابراز نظری مغایر با نظرات گذشته به مخدوش کردن ثبات و امنیت حقوقی ناشی از آن منجر می‌شود. کیفیت این خدشه بدین صورت است که قانون - که با لحاظ نیازهای اجتماع و با هدف مرتفع کردن آن‌ها تنظیم و تدوین می‌یابد - لاجرم، موجد حقوق و تکالیفی است که مخاطبان با التزام به مفاد آن، واجد حقوق مکتسبی می‌شوند که لازم‌الاحترام بوده و عدم نقض آن، از مشخصه‌های دولت قانون‌مدار عنوان شده است (ضیائی، نوروزی و جهان‌بین، ۱۳۹۴: ۱۴۴). حال چنانچه رویه شورای نگهبان تغییر یابد، این احتمال وجود خواهد داشت که مجلس شورای اسلامی بنا بر الزام به رعایت نظرات شورای نگهبان، مفاد ناقض حقوق مکتسب شهروندان را در تقنین لحاظ کند و این امر - بنا بر رویکرد یاد شده - موجب خدشه به ثبات و امنیت حقوقی در یک نظام حقوقی خواهد بود.

### ۱-۲. لزوم پیش‌بینی‌پذیری اعمال حکمرانی

همان‌گونه که تئوری انسجام نظام حقوقی در فرایندهای قضایی مقتضی آن است که تصمیمات قضایی بیشترین شباهت و همبستگی را با آرا پیشین داشته باشد (جمالی و محمدی، ۱۴۰۱: ۱۶۸-۱۶۹) در دادرسی اساسی نیز بایستی این تئوری مجرا باشد. به این صورت که چنانچه شورای نگهبان - در مقام نظارت بر قوانین و مقررات - راجع به موضوعی سابقاً اظهار نظر کرده باشد، لزوم پیش‌بینی‌پذیر بودن اعمال حکمرانی

۱. با توجه به این تفاوت که نظرات تطبیقی در خصوص همان مصوبه مورد نظرات الزام‌آور است ولی الزام‌آوری نظرات تفسیری ناظر به تمامی هنجارها است.

ایجاب می‌کند که این نهاد در موارد مشابه آتی برخلاف رویه سابق خود عمل نکند؛ زیرا علی‌القاعده، مجلس و نهادهای مقررہ گذار در موضوع مشابه لاحق، ملزم به رعایت نظر سابق شورا هستند و تغییر رویه شورای نگهبان مقنن را از اینکه بتواند موضوعات مغایر با شرع و قانون اساسی را پیش‌بینی کند ناتوان می‌سازد. در نتیجه، این نقیصه باعث مشکلاتی در فرآیند قانون‌گذاری می‌شود؛ اعم از اینکه روند تصویب آن را طولانی می‌کند یا قوانین مطلوب و کارآمدی تنظیم نمی‌شود؛ زیرا اگر مقنن از قبل بداند که با چه ایرادی مواجه خواهد شد می‌تواند احکام قانون را به نحوی تنظیم کند که خلأ پیش‌آمده از ایراد احتمالی شورای نگهبان را به نحو دیگری از قبل مرتفع کند. همین‌طور، در مورد نظارت شرعی فقهای شورای نگهبان بر مقررات مورد استعلام دیوان عدالت اداری نیز چنانچه رویه ثابت در موضوعات مشابه وجود داشته باشد؛ اولاً امکان استناد به رویه شورا در دیوان به وجود می‌آید و ثانیاً، دیوان می‌تواند با اطاله دادرسی کمتری به دعاوی رسیدگی کند و مقررات گذاران نیز از تصویب مقرراتی که طبق رویه مغایر با شرع به نظر می‌رسند خودداری می‌کنند؛ بنابراین رعایت رویه سابق و لحاظ مبانی پیشین در موضوعات مشابه به این دلیل مطلوب خواهد بود که شهروندان، بنا بر پیش‌بینی پذیر بودن قواعد حقوقی از طرح شکایاتی که نتیجه آن اعلام عدم مغایرت مقررات با شرع است پرهیز می‌کنند.

## ۲. لزوم تحول‌پذیری شورای نگهبان و عدم پایبندی به رویه سابق

در مقابل رویکرد مذکور، دیدگاه دیگری قابل طرح است که تبعیت از رویه را برای شورای نگهبان ضروری نمی‌داند. از این نظرگاه، شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات موظف به تبعیت از رویه سابق نیست و از این اختیار برخوردار است تا بنا بر تشخیص و مبتنی بر شرایط و اقتضائات تصمیم‌گیری کند. ادله و مبانی که این دیدگاه مبتنی بر آن، ضرورت التزام نسبت به رویه سابق را منتفی می‌داند از قرار ذیل است.

## ۱-۲. ترکیب شورای نگهبان؛ مقتضی تغییر و تحول در آرا

مدافقه در ساختار شورای نگهبان، چه از نظر ترکیب اعضا و چه از نظر ماهیت شورایی این نهاد، حاکی از آن است که نمی‌توان شورا را محصور در رویه ماسبق دانست. از جهت ترکیب اعضا، از آنجا که تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرعی و اصول قانون اساسی به اعضای شورای نگهبان واگذار شده و فهم و رأی هر عضو ملاک قرار گرفته است<sup>۱</sup> و از سوی دیگر در طول زمان اعضای شورای نگهبان تغییر می‌کنند، ملزم کردن یک عضو یا اعضا به پذیرش فهم دیگران مغایر با قانون اساسی و صلاحیت واگذار شده به ایشان است. اینکه در برهه‌ای از زمان بنا بر رأی اکثریت شورای نگهبان یک موضوع مغایر یا عدم مغایر با موازین اسلامی یا اصول قانون اساسی تشخیص داده شود چرا بایستی در سالیان بعد این رأی برای اعضای آینده این نهاد الزام‌آور باشد؟ چه آنکه ممکن است این نظرات با تغییر اکثریت شورای نگهبان دچار تغییر شوند و به عنوان مثال مصوبه‌ای از مجلس که در موضوعی خاص و در زمانی مشخص با ایراد مغایرت قانون اساسی مواجه بوده است، در زمانی دیگر و به دلیل تغییر نظر اکثریت شورای نگهبان از جهت تغییر اعضا مورد ایراد شورا قرار نگیرد. گذشته از آن، می‌توان در لزوم پابندی شورای نگهبان به رویه سابق، با استمداد از نص صریح اصول قانون اساسی نیز تشکیک کرد. اگر بنا بر الزام به رویه ماسبق باشد، فلسفه پیش‌بینی دوره‌ای بودن عضویت در شورای نگهبان در اصل ۹۲ قانون اساسی<sup>۲</sup> که هر سه سال نیمی از اعضای شورای نگهبان که دوره شش‌ساله‌شان به پایان رسیده است تغییر می‌یابند بی‌معنا خواهد بود، چه آنکه دوره‌ای بودن عضویت در شورا با توجه به تخصصی بودن کار ویژه شورای

۱. بازتاب این امر را می‌توان در مواد ۱۳ الی ۱۵ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹/۴/۲۲ شورای نگهبان مشاهده کرد.

۲. اصل ۹۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «اعضای شورای نگهبان برای مدت شش سال انتخاب می‌شوند ولی در نخستین دوره پس از گذشتن سه سال، نیمی از اعضای هر گروه به قید قرعه تغییر می‌یابند و اعضای تازه‌ای به‌جای آن‌ها انتخاب می‌شوند.»

نگهبان در عین حال که انتقال تجربیات توسط اعضای قدیمی به اعضای جدید را فراهم می‌آورد، امکان پویایی این نهاد، تبادل تجربه و انتقال افکار نو را از طریق تغییر و چرخش اعضای آن موجب می‌شود. بر همین اساس تغییر نیمی از اعضای شورای نگهبان در هر ۳ سال، راه را برای ورود صاحب‌نظران جدید باز کرده و امکان تبادل فکری و استفاده از تجربه اعضای قدیمی و باسابقه را فراهم می‌آورد (محشای قانون اساسی، ۱۴۰۰: ۲۰).

همچنین بیان «تشخیص فقهای شورای نگهبان» در اصل چهارم، «اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط» به عنوان یکی از پایه‌های جمهوری اسلامی در قسمت «الف» بند (۶) اصل دوم قانون اساسی<sup>۱</sup> و اشتراط «آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز» برای تصدی اعضای فقیه شورای نگهبان در بند (۱) اصل ۹۱ قانون اساسی یقیناً مقتضی آن است که این شورا در مسائلی که در هر دوره حادث می‌شود ولو اینکه مشابهت موضوعی با موارد سابق داشته باشد محصور در چارچوب سابق نبوده و با لحاظ شرایط زمانی و مکانی متفاوت تصمیم خود را ابراز کند. توضیح آنکه در تأیید معنای مذکور، مطالعه و بررسی مشروح مذاکرات اصل دوم قانون اساسی گویای آن است که در نگاه تدوین‌کنندگان قانون اساسی، مقصود از اجتهاد مستمر، اجتهادی است که مجتهد حکم یک موضوع را متناسب با شرایط زمان و مکان و اقتضات روز جامعه استنباط کند. به‌طور مثال یکی از اعضا در مقام تبیین مفهوم اصطلاح اجتهاد مستمر بیان می‌کند: «هدف از بیان این ماده در اینجا این بود که فقط بگویند در مکتب تشیع، اجتهاد زنده است و مجتهد متناسب با شرایط زمان، حوادث واقع و نیازهای روز را با توجه به کلیات اسلام استنباط می‌کند. ... کافی است که بنویسیم ما اجتهاد را زنده می‌دانیم و رهبران زنده جامعه با توجه به کلیات و اصول و مبانی اسلامی، حوادث روز که محور اصلی اجتهاد این‌هاست و نیازهای جامعه را استنباط می‌کنند و در اختیار افراد جامعه قرار می‌دهند» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی

۱. اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «... - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت

نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۲۲۲). در همین راستا نایب رئیس مجلس ضمن تبیین جایگاه و اهمیت اجتهاد مستمر در مقام بیان جایگاه معنایی و مفهومی اجتهاد مستمر برمی آید و بیان می‌کند که: «اجتهاد مستمر فقیه جامع‌الشرایط در فهم کتاب و سنت به عنوان یکی از راه‌هایی که باید در برقراری جمهوری اسلام و نظام این جمهوری حتماً مورد اهتمام قرار گیرد، این بدین اعتبار است که کلیه مسائل مربوط به قانون‌گذاری‌ها، تهیه و تصویب آیین‌نامه‌ها، روش‌ها در یک نظام ایدئولوژیک یعنی در یک نظام مکتبی و در یک جامعه مکتبی نمی‌تواند دور از نظر مکتب و جهت‌گیری از آن صورت بگیرد، این‌ها همه باید در رابطه با تصمیم و نظر و جهت‌گیری خاص آن باشد تا آن قانون و آن آیین‌نامه و آن تصویب‌نامه بتواند متناسب با یک جامعه مکتبی باشد. در یک جامعه اسلامی کلیه قوانین و مقررات و تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها باید ناظر باشد به آنچه اسلام به عنوان آیین‌نامه و جهت‌دهنده در همه زمینه‌ها عرضه کرده است. یعنی حوادث واقعه را با مراجعه به مأخذ اسلامی مشخص کرد و بعد از نظر روش‌های قانون اساسی آن را دنبال کرد و تکمیل کرد البته منبع برای شناخت نظر اسلام کتاب و سنت است ولی برای اینکه حوادث واقعه در کتاب و سنت حکمش و نظرش استنباط بشود همواره ما اجتهاد مستمر برای استنباط آرا و احکام اسلام را احتیاج داریم، این اجتهاد همواره باید ادامه داشته باشد» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۲۶۱).

در نتیجه با ابتننا تشخیص اقتضائات روز بر قید «مستمر» توسط فقها نمی‌توان لزوماً حکم مستنبط از تطبیق یک مسئله با موازین شرع را یکسان انگاشته و قائل به ایجاد رویه شد. مضاف بر آن، شرط «حقوق‌دان» بودن اعضای غیر فقیه شورای نگهبان در بند (۲) اصل مزبور نیز ملهم این معنا است که عنصر زمان و مکان در فهم و به‌کارگیری اندیشه‌های حقوقی اثرگذار است؛ وگرنه صرف دانستن اندیشه‌های حقوقی برای حل مسائل با شرط روزآمد بودن کفایت نمی‌کند. در نتیجه ادله‌ای که ارائه شد، لزوم پابندی به رویه سابق با عنایت به ساختار و ماهیت شورای نگهبان تضعیف می‌شود؛

چه اینکه هر یک از اعضا این نهاد، با استدلال به اصالت فهم و ادراک خویش از اوضاع اجتماع و تطبیق آن بر مصوبات مجلس، اقدام به تصمیم‌گیری در مغایرت یا عدم مغایرت آن با شرع و قانون اساسی می‌کند و توجه به سابقه را در درجات بعدی و غیر مؤثر در ابراز نظر خویش قلمداد می‌کند.

## ۲-۲. پویایی نظام حقوقی

چالش‌های نوپدید و حوادث گوناگون اجتماعی موجب آن است که حکمرانی حقوقی و سیاسی نیز پویا شود و نمی‌توان صرفاً در چارچوب قانون نوشته و تصمیماتی که از تاریخ آن‌ها منقضی شده، محصور بود و دل‌خوش داشت که گره‌ها و مسائل نوظهور پاسخ‌های درخوری یابند. همان‌طور که قانون‌گذاری در عرصه اجتماعی با لحاظ اقتضائات زمانه و نیازهای روز صورت می‌پذیرد، سایر فرایندهای حقوقی نیز بایستی از این پویایی و انعطاف برخوردار باشند. جایگاه شورای نگهبان در ساختار حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاهی بس مهم و اثرگذار است و آرا و تصمیمات این نهاد نقش بسزایی در شکل‌گیری یا تغییر فرایندهای قانون‌گذاری ایفا می‌کند. از این‌رو نمی‌توان این نهاد را در مواجهه با مسائل عرصه حکمرانی توصیه به رویه سابق کرده و آزادی عمل آن را در خلق تصمیمات پویا از بین برد؛ زیرا گاه اتفاقاً بایستی از پویایی نظام حقوقی به نفع پویایی آن صرف‌نظر کرده و به سمت ایجاد وضعیت‌های نوین قدم برداشت؛ بنابراین التزام به رویه ماسبق به عنوان مانع بزرگی در مسیر پویایی نظام حقوقی شناخته می‌شود. به عنوان مثال، در زمینه اصول قانون اساسی می‌توان به برداشت‌های شورای نگهبان در فهم بند ۱۰ اصل (۳) قانون اساسی «نظام اداری صحیح» اشاره کرد. از آنجایی که مفهوم نظام اداری صحیح، مفهوم کلی و تفسیر برداری است که با توجه پیشرفت خدمات عمومی و ساختار اداری باید به‌صورت مداوم تغییر یابد (آریان نژاد، فراهانی و فتاحی زفرقندی، ۱۴۰۴: ۱-۲۸) از این‌رو نمی‌توان شورای نگهبان را در طول زمان و ادوار مختلف به برداشت‌های یکسان و رعایت رویه در این

خصوص ملتزم دانست؛ زیرا این الزام مساوی با نادیده انگاشتن مقصود مقنن اساسی از تحقق نظام اداری مطلوب و صحیح خواهد بود و به نقض غرض می‌انجامد. به عنوان مثال دیگر نیز می‌توان به قاعده تسلیط در موازین شرعی اشاره کرد؛ مطابق این قاعده فقهی، هر شخص صاحب اختیار آن چیزی است که در ملکیت وی است. بر این اساس، اگر فرضاً شخص دارای منازل مسکونی متعددی باشد، مطابق قاعده فوق می‌تواند تا هر زمان که اراده کند آن‌ها را در اختیار داشته باشد و از فروش عین یا واگذار کردن منفعت آن‌ها در قالب اجاره نیز خودداری کند. این در حالی است که به نظر می‌رسد اگر شرایط و اوضاع و احوال به گونه‌ای تغییر پیدا کند که بسیاری از شهروندان فاقد منزل مسکونی باشند و مجلس شورای اسلامی به جهت رفع این مشکل، طرحی را به منظور اخذ مالیات از صاحبان این املاک یا الزام ایشان به فروش این املاک به تصویب رساند و به شورای نگهبان ارسال کند، این شورا موظف است تا طرح مذکور را به تأیید رساند و لو آنکه تأیید این طرح برخلاف قاعده تسلیط و نظرات قبلی و رویه سابق شورای نگهبان باشد. به بیان دیگر، تغییر رویه شورای نگهبان در چنین موردی نه تنها ایرادی ندارد بلکه لازم است. همچنین می‌توان به لزوم ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول اشاره کرد. به تعبیر دیگر، هرچند تنظیم قراردادها به صورت غیررسمی و عدم ثبت آن‌ها مجاز است، اما ممکن است نظم عمومی اقتضا کند تا تمامی قراردادها به صورت رسمی تنظیم و ثبت شوند<sup>۱</sup> و در نتیجه با چنین فرضی، تبعیت شورای نگهبان از نظرات سابق خود توجیهی نخواهد داشت.

۱. در این باره مطالعه گزارش نظرات استدلالی شورای نگهبان در خصوص «طرح الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول» مصوب ۱۴۰۰/۴/۶ مجلس شورای اسلامی به شماره مسلسل ۱۴۰۰۱۸، منتشر شده در سامانه جامع نظرات شورای نگهبان به نشانی: <http://nazarat.shora-rc.ir> قابل مراجعه و مطالعه است.

### ۳. اصالت رویه محوری و استثنای رویه گریزی

رویکرد «انقیاد در برابر رویه سابق» در کنار برخورداری از مزیت، واجد اشکال نیز است. کاربست این دیدگاه از آن جهت که ایجاد ثبات نسبی در اقدامات حاکمان را در پی داشته و متعاقب آن، نظام حقوقی از انسجام درونی مناسبی برخوردار می‌شود غیر قابل انکار است اما نباید این مهم را نیز از نظر دور داشت که همین امر می‌تواند به تصلب و عقب‌ماندگی حقوق از تحولات اجتماعی بینجامد؛ به عبارت دیگر، هر تحولی را ناپاستی با حربه انقیاد در برابر نظم پیشین و لزوم تبعیت از آن از میدان به در کرد. در نتیجه، اگر شورای نگهبان را به‌طور کامل ملزم به رویه پیشین بدانیم بی‌آنکه جایی برای تحول‌پذیری و تغییر رویه این نهاد در منظومه دادرسی اساسی به رسمیت شناخته باشیم انتظار همگامی با تحولات روز و صدور نظرات روزآمد از این نهاد بی‌جا خواهد بود. نمونه این امر را می‌توان در نظارت‌های شورای نگهبان بر معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی موضوع اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی مشاهده کرد؛ آنجا که رویه شورای نگهبان در این باره در جامعه بین‌الملل غیر قابل طرح است (کدخدایی، فراهانی و لهراسبی، ۱۴۰۳: ۷۲) و تغییر رویه مواجهه شورا با معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی ضروری می‌کند، اصرار بر حفظ رویه پیشین مانع از کارآمدی نظام حقوقی خواهد بود. افزون بر این، پافشاری مطلق شورای نگهبان بر رویه شکل گرفته خود در طول ادوار، می‌تواند منتهی به عبث شدن اختیار قانون‌گذاری مجلس منتخب مردم برای تأمین نیازهای نوبه نئی جامعه در روند تحولات چشمگیر اجتماعی شود. ارجاع مکرر مجلس به رویه سابق شورای نگهبان، در نهایت به انسداد گره‌گشایی تقنینی از معضلات اجتماعی خواهد انجامید؛ زیرا این امر به غفلت از رفع نیازهای جامعه و در نتیجه به «عدم سازگاری با تحولات اجتماعی» منجر می‌شود و امر مزبور از جمله علل مهم افول نظام‌های حقوقی است (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۶۳). بنابراین، قوه مقننه به‌مثابه قوه‌ای که از ابزار تقنین به عنوان چاره‌ی تدبیر امور اجتماع برخوردار است، بایستی متناسب با شرایط موجود و اوضاع روز اقدام به قانون‌گذاری

کرده و شورای نگهبان نیز بدون توجه به اینکه سابقه‌ی بررسی‌ها در آن مصوبه چیست، با لحاظ شرایط روز اجتماع، اقدام به نظارت بر مصوبه مزبور کند؛ هرچند که نتیجه لاحق با رویه‌ی سابق مغایر باشد.

از محسنات رویکرد «لزوم تحول‌پذیری شورای نگهبان و عدم پایبندی به رویه سابق» نیز توجه به اقتضائات روز است و در اثر کاربست آن، نظام حقوقی با تحولات اجتماعی و واقعیت‌های نو شونده همراه می‌شود، اما نمی‌توان عنصر فهم فقهی و حقوقی اعضای شورای نگهبان را بدون تقید به چهارچوب‌های حقوقی شکل گرفته در طول زمان و آزاد از آن‌ها تصور کرد؛ چه اینکه این تصویرگری نیز مغایر واقعیت‌های نظام حقوقی خواهد بود. به عبارت دیگر، اجتهاد فقهای شورای نگهبان و فهم حقوقی حقوق‌دانان این نهاد، به هیچ وجه نباید مساوی با تشخیص‌های سلیقه‌ای و منقطع از سابقه نظام حقوقی تلقی شود و بدین‌سان تنها با ایجاد تعادل میان نوگرایی و رعایت سنت حقوقی می‌توان نظر مقنن اساسی از روزآمدی دادرسی اساسی را تأمین کرد. توضیح بیشتر آنکه، شکل‌گرایی حقوقی اعتقاد بر آن دارد که حقوق چیزی جز رویه‌ها نیست (صالحی مازندرانی و ملّا باشی، ۱۳۹۵: ۱۴۷) اما نوگرایی که یقیناً نمی‌توان حقوق را از رعایت آن برکنار دانست بر پایه ملاحظه شرایط مستحدث بنا شده است؛ بنابراین برگزیدن یکی از دو رویکرد یادشده مجال ترسیم چارچوب تحلیلی را فراهم می‌آورد. با توجه به کارکرد ذاتی حقوق در ایجاد نظم و امنیت قابل پیش‌بینی و مستقر در وهله نخست و پدید آمدن فرصت تنظیم رفتار برای مخاطبان نظام حقوقی در درجه دوم و نیز جلوگیری از اعوجاج‌های خودسرانه کنشگران نظام سیاسی در مواقع تصمیم‌گیری در گام نهایی، به نظر می‌رسد تقدم رویکرد نخست به عنوان اصلی اولی ترجیح داشته باشد.

بنابراین برداشت رویه مدار دادرسی اساسی از اصول قانون اساسی را در تطبیق هنجارهای مادون با آن تا حدی اصیل قلمداد می‌کنیم. در نتیجه، اصل اولی بر لزوم تبعیت

شورای نگهبان از رویه است و عدول از این قاعده در موارد استثنایی نیازمند دلیل موجه است. اینجا اشاره به ضوابط و ملاک‌های این عدول استثنایی مدنظر خواهد بود. با پذیرش اصل پایبندی شورای نگهبان به نظرات سابق خود در موضوعات مشابه، شورا در موارد مشابه اقدام به صدور آرا یکسان خواهد کرد و با عنایت به اینکه در موارد تخلف از اصل باید به حداقل‌ها اکتفا کرد لازم است تا ملاک و معیاری جهت تشخیص موارد جواز عدول شورای نگهبان از رویه سابق خود ارائه شود تا عدول این شورا از نظرات گذشته خود منضبط شده و قابل‌سنجش شود. بر این اساس، به نظر می‌رسد شورای نگهبان می‌تواند در مورد زیر از رویه سابق خود عدول کند:

#### الف. اصلاح قانون اساسی

ممکن است شورای نگهبان مطابق مفاد برخی از اصول قانون اساسی، اقدام به صدور آرا و نظراتی کرده باشد که در صورت اصلاح قانون اساسی در آن‌ها تجدیدنظر کند. مراد آن است که بازنگری در قانون اساسی به عنوان سببی موجه باعث می‌شود که شورا جواز عبور از رویه سابق خود را بیاید. به عنوان مثال، اصل ۸۵ قانون اساسی تا پیش از بازنگری سال ۱۳۶۸ سخنی از تصویب اساسنامه سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت به میان نیاورده بود. از این‌رو، گاهی اوقات مجلس شورای اسلامی، تصویب اساسنامه‌های مزبور را به دولت تفویض می‌کرد که این واگذاری در برخی از موارد از سوی شورای نگهبان بلامانع تلقی می‌شد و در برخی از موارد با تأکید شورای نگهبان بر لزوم تعیین ضابطه و چارچوب قانونی با ایراد مبتنی بر اصل ۸۵ قانون اساسی مواجه می‌شد (درویش متولی، ۱۳۹۳: ۶).<sup>۱</sup> با اصلاح قانون اساسی و

۱. به‌طور مثال، مجلس شورای اسلامی در طی ماده واحده لایحه «اساسنامه صندوق‌های رفاه دانشجویان» مصوب ۱۳۶۷/۸/۲۶ مقرر کرد که: «اساسنامه مربوط به صندوق‌های رفاه دانشجویان ... پس از تصویب هیئت‌وزیران به مورداجرا بگذارد.» شورای نگهبان در ضمن نظر شماره ۳۰۱۵ مورخ ۱۳۶۷/۰۹/۰۲ تصویب اساسنامه یادشده توسط دولت را مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی اعلام کرد. گفتنی است که در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشد و لذا این لایحه به سرانجام قانونی نرسید (اصول قانون اساسی در پرتو

تصریح به آنکه مجلس شورای اسلامی می‌تواند اختیار تصویب اساسنامه‌ها را به دولت تفویض کند، رویه شورای نگهبان در مواجهه با مسئله تفویض این اختیار به دولت تغییر کرد.

### ب. ابلاغ سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام می‌تواند موجب دیگری باشد که قابلیت منصرف کردن شورای نگهبان از تبعیت نسبت به رویه سابق خود را فراهم کند. در این زمینه می‌توان به ابلاغ «سیاست‌های کلی انتخابات» در تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ توسط مقام رهبری و تغییر رویه شورای نگهبان در نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی پیرامون اصلاحات صورت گرفته در خصوص شرایط داوطلبان انتخاباتی اشاره کرد.<sup>۱</sup> توضیح آنکه رویه شورای نگهبان پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات نشان از این دارد که در نظر این نهاد، شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی انحصاری بوده و همواره مصوباتی که در مقام افزایش شرایط یادشده بوده‌اند با مغایرت مبتنی بر اصل مزبور مواجه شده‌اند.<sup>۲</sup> لیکن

نظرات شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۴)، ۱۳۹۵: ج ۳، ۱۹۵ (قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی سامانه جامع نظرات شورای نگهبان به نشانی: <http://nazarat.shora-rc.ir>).

۱. البته شایان ذکر است که سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز به عنوان مصداق دیگری قابل اشاره است که از ذکر آن به جهت پرهیز از اطاله صرف نظر شده است (در این زمینه، مقاله «سیاست‌های کلی اصل ۴۴: بازنگری غیررسمی قانون اساسی یا استفاده از ظرفیت اصل ۴۴» نگاشته هادی طحان نظیف و مصطفی منصوریان، انتشار یافته در فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۱۵، ۱۳۹۵ قابل مراجعه است).

۲. در این باره نظرات ذیل از شورای نگهبان قابل مراجعه است:

- نظر شماره ۲۹۰۷ مورخ ۱۳۶۰/۴/۱۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه انتخاب رئیس‌جمهور کشور جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۰/۴/۱۳.
- نظر شماره ۳۶۸۱ مورخ ۱۳۶۴/۳/۲۵ شورای نگهبان در خصوص لایحه انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۳/۱۳.
- نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۹۴۴ مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۱ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح مواد (۳۵) و (۵۵) قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن، مصوب ۱۳۸۷/۸/۱۹ (برای دسترسی به نظرات فوق، به این آدرس کنید: <https://slink.shora-gc.ir/M7zi0>)

اظهار نظر شورای نگهبان راجع به «طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری» اصلاحی مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱، نشانگر آن است که نظر این شورا متأثر از سیاست‌های کلی انتخابات از حصری بودن شرایط اصل ۱۱۵ قانون اساسی عدول کرد و مجلس را در تعیین شرایط عمومی همچون: حداقل و حداکثر سن، حداقل مدرک تحصیلی، نداشتن محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت در جرائم خاص (اقتصادی، انتخاباتی، امنیتی و ...)، نداشتن سابقه استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان، کارت پایان خدمت یا معافیت و مانند آن‌ها، ذی‌صلاح دانست (باقری خوزانی، عطریان و مسعود، ۱۴۰۰: ۷۲).

### پ. احکام حکومتی

احکام حکومتی از جمله موجبات دیگری است که شورای نگهبان باید به آن‌ها توجه کرده و در صورتی که رویه سابق خود را منافات با این احکام می‌بیند، اقدام به صدور آرای متفاوت با آرای سابق خود و در جهت مطابقت با احکام مذکور کند. به عنوان نمونه، تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی بنا بر حکم امام خمینی رحمه‌الله و امتداد فعالیت آن بر اساس نظر مقام معظم رهبری در این زمینه قابل اشاره است که برداشت شورای نگهبان از اختصاص تقنین به مجلس شورای اسلامی را با تحول روبرو ساخته و موجب آن شده است تا بنا بر حکم ولی فقیه، مصوبات این نهاد نیز «لازم‌الاجرا و در حکم قانون»<sup>۱</sup> به حساب آید. شورای نگهبان، مصوبه «جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی» را به دلیل آنکه به تأیید مقام معظم رهبری رسیده است در حکم مصوبه ایشان (حکم حکومتی و فرمان رهبری) تلقی کرده و مصوباتی از مجلس شورای اسلامی را که با صلاحیت‌های مذکور در مصوبه یادشده مغایر است، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص می‌دهد. به‌طور نمونه، نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۹۷۲ مورخ ۱۳۸۲/۲/۲۲

۱. «شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مرجع عالی سیاست‌گذاری، تعیین خط‌مشی، تصمیم‌گیری و هماهنگی و هدایت امور فرهنگی، آموزشی و پژوهشی کشور در چارچوب سیاست‌های کلی نظام محسوب می‌شود و تصمیمات و مصوبات آن لازم‌الاجرا و در حکم قانون است» (مصوبه جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی).

شورای نگهبان راجع به لایحه وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات» مصوب ۱۳۸۲/۱/۲۶ یا نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۹۴۳ مورخ ۱۳۸۱/۹/۵ در خصوص لایحه اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۲ در این زمینه قابل اشاره‌اند (درویشوند، فضائلی و اسمعیلی گیوی، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۶). همچنین می‌توان به تبعیت شورای نگهبان از فتاوی و احکام سلطانیه ولی فقیه نیز در این باره اشاره کرد. با این توضیح که شورای نگهبان مکلف است تا در بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی و مقررات از نظر تطابق یا عدم مغایرت آن‌ها با موازین شرعی، احکام نظامیه و سلطانیه ولی فقیه را - در صورت وجود چنین احکامی - مبنا و ملاک عمل قرار دهد (زمانی، ۱۳۹۵: ۱۹). در راستای ارجاع مسائل مختلف به فتوای فقیه حاکم، مواردی وجود دارد که شورای نگهبان از نظرات پیشین خود عدول کرده و بنا بر نظر فتوایی امام خمینی رحمه‌الله و مقام معظم رهبری عمل کرده است. به‌طور مثال، نظر شماره ۷۹۱۱ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۰ شورای نگهبان در رابطه با نظارت شرعی در خصوص تصرف در اصل وام ربوی در عمل به فتوای امام خمینی رحمه‌الله<sup>۱</sup> و نظر شماره ۵۱۸۸۷ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۰ نظارت شرعی در خصوص ماده ۴ قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ و بخش اول ماده ۹ و ماده ۱۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب آذرماه ۱۳۵۷<sup>۲</sup> و نیز نظر شماره ۳۸۳۵۴ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۹ در رابطه با ادعای خلاف شرع بودن تبصره ۱ ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی تخلیه و فروش خانه‌های سازمانی موضوع مصوبه شماره ۲۲۴ مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت مخابرات ایران<sup>۳</sup> در عمل به فتوای مقام معظم رهبری در این زمینه قابل اشاره است.<sup>۴</sup>

۱. برای مشاهده این نظر مراجعه شود به: <https://slink.shora-gc.ir/F4cME>

۲. برای مشاهده این نظر مراجعه شود به: <https://slink.shora-gc.ir/jZENf>

۳. برای مشاهده این نظر مراجعه شود به: <https://slink.shora-gc.ir/aTmzX>

۴. تفصیل بحث مربوط به این فقره به همراه نظرات شورای نگهبان در مقاله‌های «مرجحات اتخاذ فتوای ولی فقیه به عنوان فتوای معیار در تقنین، با تأکید بر نظرات شورای نگهبان» (حیدری و اصغری شورستانی، ۱۴۰۲) منتشر

با محوریت اصل تبعیت شورای نگهبان از رویه پیشین و ارائه ضوابطی که لحاظ آن‌ها موجبات تغییر رویه و عدول از آن را فراهم می‌آورد، بایسته است که به ملاکی که رعایت آن از زاویه شکل ارائه نظر مغایر با رویه ضروری است اشاره شود. از آنجایی که ارتباط شورای نگهبان با سایر نهادهای حکومتی از طریق نظرات ابراز شده از سوی این نهاد است و به عبارت دیگر، صرفاً این نظرات شورا است که نمایانگر برداشت آن‌ها از موازین شرع و نحوه فهم آن‌ها از اصول قانون اساسی است بنابراین بایسته است تا این نهاد ادله تغییر نظر خود در باب هنجارهای مرجع (موازین شرع و اصول قانون اساسی) در نظر مغایر با رویه پیشین را بیان داشته و استنادات و استدلال‌های عدول از رویه را بیان کند؛ به عبارت دیگر، شورای نگهبان در مواردی که بنا بر ضوابط پیش‌گفته قصد عدول از رویه سابق را دارد باید مبانی نظر خود را به همراه استنادات، مشروحاً و تفصیلاً بیان کند تا ضمن توجه به روزآمدی، از ثبات و انسجام نظام حقوقی نیز محافظت به عمل آید (محمدی کسجین، فراهانی و فتاحی زفرقندی، ۱۴۰۲: ۱۱۵).

با رعایت این ضابطه، فهم و اقتباس رویه شورای نگهبان نیز با سهولت انجام خواهد شد که این امر می‌تواند به «ایجاد شفافیت در نظام حقوقی کشور»، «تسریع در فرایند قانون‌گذاری» و «توسعه نظام حقوقی» منجر شود (آریان نژاد و فراهانی، ۱۴۰۳: ۲۷۷۱).

### فرجام سخن

شورای نگهبان به‌مثابه پاسدار تقنینی قانون اساسی و موازین شرعی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با کار ویژه‌های مهمی از جمله «تفسیر قانون اساسی» و «نظارت بر مطابقت و عدم مغایرت قوانین و مقررات دولتی با قانون اساسی و شرع» از شریعت و قانون اساسی در چرخه قاعده‌گذاری حقوقی پاسداری می‌کند. در برخی نظرات،

---

شده در فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی و «تحلیل کارکرد احکام نظامی ولی‌فقیه در آرا و نظرات شورای نگهبان (بررسی موردی سیاست جنایی تقنینی)» (زمانی، ۱۳۹۵) منتشر شده در فصلنامه دانش حقوق عمومی قابل مراجعه است.

شورای نگهبان در بررسی مصوبه ارجاعی (طرح و لایحه مصوب مجلس یا استعلام شرعی دیوان عدالت اداری) گاهی با اشاره به نظر یا رویه سابق و یکسان با آنها و گاهی در امتداد رویه سابق اظهار نظر کرده است. در عین حال مواردی نیز وجود دارد که شورا علی‌رغم شباهت مصوبه مورد نظارت با مصوبه پیشتر نظارت شده، اظهارنظری برخلاف رویه خود ارائه کرده است. از تلاقی این دو جریان، ضرورت پاسخ به این سؤال جلوه‌گر می‌شود که آیا می‌توان از ضرورت التزام شورای نگهبان نسبت به رویه سابق سخن گفت؟

در پاسخ به سؤال مذکور به سه رویکرد در این زمینه اشاره شد. رویکرد نخست معتقد به لزوم پایبندی شورا به نظر سابق خود است. قطعیت، تعین پذیری و شفافیت قواعد حقوقی حاکم بر حیات جمعی که تضمین گر امنیت حقوقی و حقوق مکتسبه شهروندان است از جمله دلایلی است که ایجاب می‌کند تا به منظور حفظ انسجام و نظم حقوقی، التزام به رویه سابق تجویز شود. همچنین لزوم پیش‌بینی پذیری قواعد حقوقی مقتضی آن است که فرایندهای قانون‌گذاری بر یک روال روشن استوار باشد و در همین راستا شورای نگهبان مجاز نخواهد بود تا از رویه سابق خود که نهادهای هنجار ساز - اعم از مجلس و دیوان عدالت اداری و... - ملتزم به رعایت آن شده‌اند روی گرداند. در مقابل اما رویکرد دیگری بر لزوم تحول و تغییرپذیری نظرات شورا تأکید می‌ورزد. مبتنی بر این دیدگاه، آنچه در خصوص اعلام مغایرت با قانون اساسی و موازین شرعی تعیین کننده است، متن قانون اساسی و احکام و دستورات اسلامی است و نهادهای قانون‌گذار و مقرره‌گذار نیز مکلف به تبعیت از این ضوابط هستند؛ لذا تبعیت از رویه، بی‌معنا به نظر می‌رسد. ادله این رویکرد، پذیرش ضمنی تغییر رویه شورا توسط قانون اساسی در قالب اشاره به زمان‌شناسی و تخصص اعضای شورای نگهبان، ساختار و ترکیب این نهاد، پویایی و فرار از بن‌بست‌های قانونی و اقتضای روزآمدی تدابیر اتخاذ شده از سوی نظام حقوقی است. گفتنی است که در ترسیم فضای بحث و بررسی سؤال اصلی یعنی پایبندی شورا به نظرات سابق خود، به نظر

می‌رسد از میان دیدگاه‌های یادشده بایستی اصل را بر لزوم تبعیت از رویه پیشین گذاشت و عدول از آن را تنها با رعایت ضوابط و با حدوث ملاک‌هایی مانند «اصلاح قانون اساسی»، «ابلاغ سیاست‌های کلی نظام»، «احکام حکومتی» و «ارائه مستندات و مبانی عدول از رویه در نظرات» مورد شناسایی قرار داد. از جمله سؤالاتی که شایسته است در امتداد این موضوع و در پژوهش‌های بعدی بدان‌ها پرداخته شود آنکه، تأثیرات تن دادن به چنین التزامی به رویه از سوی شورای نگهبان چیست و چه نتیجه‌ای عاید نظام قانون‌گذاری می‌کند؟ شاکله نظام قانون‌گذاری چه مقدار تحت تأثیر پایبندی شورای نگهبان به رویه اساسی خویش است؟ دیگر آنکه، آیا می‌توان برای شورای نگهبان مسئولیتی حقوقی (اعم از مدنی و سیاسی) ناشی از تغییر رویه‌های اساسی خود شناسایی کرد؟

### منابع

- آریان‌نژاد، علی، فراهانی، محمدصادق، فتاحی زفرقندی، علی (۱۴۰۴). «نظام اداری صحیح» در پرتو نظرات شورای نگهبان. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۴(۲)، ۱-۲۸.
- آریان‌نژاد، علی و فراهانی، محمدعلی (۱۴۰۳). بایسته‌های نگارش نظرهای شورای نگهبان و آثار آن، مطالعات حقوق عمومی، ۵۴(۴)، ۲۷۴۷-۲۷۷۳.
- اصغری شورستانی و محمدرضا، حیدری، وحید (۱۴۰۲). مرجحات اتخاذ فتوای ولی فقیه به عنوان فتوای معیار در تقنین، با تأکید بر نظرات شورای نگهبان، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۴(۲)، ۳۸۵-۴۰۶.
- اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۵). تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، جلد سوم.
- باقری خوزانی، محمدحسن، عطریان، فرامرز، مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات، دانش حقوق عمومی، ۱۰(۳۳)، ۵۷-۸۲.
- درویش متولی، میثم (۱۳۹۳). نظرات شورای نگهبان بر اساسنامه‌های دولتی مصوب دولت یا کمیسیون‌های داخلی مجلس شورای اسلامی، پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۳۰۱۰۰.

- درویشوند، ابوالفضل، فضائلی، احمد، اسمعیلی گیوی، حمیدرضا (۱۳۹۷). بررسی جایگاه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در نظرات شورای نگهبان، *دانش حقوق عمومی*، ۷(۲۱)، ۲۵-۵۰.
- زمانی، امین‌الله (۱۳۹۵). تحلیل کارکرد احکام نظامیه ولی فقیه در آرا و نظرهای شورای نگهبان (بررسی موردی سیاست جنایی تقنینی)، *دانش حقوق عمومی*، ۵(۱۵)، ۱-۲۵.
- جمالی، مرتضی و محمدی، قاسم (۱۴۰۱). دیالکتیک پایایی و پویایی حقوق در رهیافت نظریه اصول حقوقی؛ با نگاهی به رویه قضایی، *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶(۱۱۹)، ۱۴۳-۱۷۰.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰). *محتسای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- صالحی مازندرانی، محمد و ملأ باشی، صفیه السادات (۱۳۹۵). تأثیر تمایز رویکردی حقوق مدرن و حقوق سنتی بر روش‌شناسی حقوقی. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*، ۳(۴)، ۱۲۵-۱۵۲.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، جلد اول.
- ضیائی، رضوان، نوروزی، قدرت الله، جهان‌بین، سید عباد الله (۱۳۹۴). تأملی بر حق مکتسب در پرتو آرای دیوان عدالت اداری، *فصلنامه حقوق اداری*، ۲(۸)، ۱۴۳-۱۶۸.
- طباطبایی، محمدصادق (۱۳۸۲). مبانی تطبیق‌پذیری قوانین اسلامی با تحولات اجتماعی، *حقوق تطبیقی*، ۵(۵)، ۶۳-۸۴.
- طحان نظیف، هادی و منصوریان، مصطفی (۱۳۹۵). سیاست‌های کلی اصل ۴۴؛ بازنگری غیررسمی قانون اساسی یا استفاده از ظرفیت اصل ۴۴، *دانش حقوق عمومی*، ۵(۱۵)، ۷۸-۵۵.
- کدخدایی، عباسعلی و بهادری جهرمی، محمد (۱۳۹۷). شرح قانون اساسی: فصل ششم شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
- کدخدایی، عباسعلی، فراهانی، محمدصادق، لهراسبی، امیر (۱۴۰۳). رویه نظارت اساسی بر معاهدات بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، *دانش حقوق عمومی*، ۱۳(۲)، ۴۷-۸۰.
- محمدی کسجین، رضا، فراهانی، محمدصادق، فتاحی زفرقندی، علی (۱۴۰۲). جایگاه التزام نسبت به رویه در الگوهای نظارت بر قانون اساسی در جهان و ایران، *دانش حقوق عمومی*، ۱۲(۴)، ۹۱-۱۲۲.
- نیکونهاد، حامد (۱۳۹۷). دنباله نانوخته اصول نوشته قانون اساسی؛ نگاهی تحلیلی به پیدایش، اعتبار و مصادیق رویه‌های اساسی در تجربه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، *مجموعه مقالات نخستین همایش ملی اصول نانوخته قانون اساسی*.

نیکونهاد، حامد و زندیه، زهرا (۱۳۹۸). حکومت موازین اسلامی بر اطلاق و عموم اصول قانون اساسی در رویه فقهای شورای نگهبان؛ نگاهی رویه‌ای به آثار نظارت شرعی بر اصول قانون اساسی، دانش حقوق عمومی، ۸(۲۴)، ۱۰۹-۱۳۲.

ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی، نشریه راهبرد، ۲۰(۵۸)، ۹۵-۱۳۰.

هاشمی، سید محمد (۱۳۹۳). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، میزان، جلد دوم.

### اسناد و قوانین

آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان مصوب ۱۳۷۹/۴/۲۲  
 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
 جایگاه، اهداف و وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۶.

### References

- Aryannejad, A., Farahani, M. S., & Fattahi Zarfargandi, A. (2024). Proper Administrative System in Light of the Opinions of the Guardian Council, *Public Law Studies Journal*, 14(2), 1-28. 10.22034/qjplk.2024.1699.1554 [In Persian]
- Aryannejad, A., & Farahani, M. A. (2024). Requirements for drafting the Guardian Council's opinions and their effects. *Public Law Studies*, 54(4), 2747-2773. doi: 10.22059/jplsq.2023.346186.3144 [In Persian]
- Asghari Shouristani, M. R., & Heydari, V. (2023). Criteria for Adopting the Supreme Leader's Fatwa as the Standard in Legislation, with Emphasis on the Guardian Council's Opinions, *Islamic Law Research Journal*, 24(2), 385-406. 10.30497/law.2023.244070.3344 [In Persian]
- Principles of the Constitution in Light of the Guardian Council's Opinions* (2016). Tehran: Guardian Council Research Center, Vol. 3 [In Persian]
- Bagheri Khuzani, M. H., Atrian, F., & Masoud, G. (2021). The Scope of the Parliament's Authority in Elaborating and Explaining Presidential Conditions with Emphasis on General Election Policies, *Public Law Studies*, 10(33), 57-82. 10.22034/qjplk.2021.229 [In Persian]
- Darvish Motavalli, M. (2014). *Supervision of the Guardian Council on Governmental Statutes Approved by the Government or Internal Committees of the Parliament*, Guardian Council Research Center Report, Serial No. 13930100. [In Persian]

- Darvishvand, A., Fazaeli, A., & Esmaeili Givi, H. (2018). Study on the Position of the Supreme Council of the Cultural Revolution's Resolutions in the Opinions of the Guardian Council, *Public Law Studies*, 7(21), 25-50. [https://mag.shora-rc.ir/article\\_134.html](https://mag.shora-rc.ir/article_134.html) [In Persian]
- Zamani, A. (2016). Functional Analysis of the Supreme Leader's Systemic Rulings in the Opinions of the Guardian Council (Case Study: Legislative Criminal Policy), *Public Law Studies*, 5(15), 1-25. [https://mag.shora-rc.ir/article\\_97.html](https://mag.shora-rc.ir/article_97.html) [In Persian]
- Jamali, M., & Mohammadi, G. (2022). The Dialectic of Stability and Dynamism in Law through the Perspective of Legal Principles Theory; A Look at Judicial Practice, *Justice Legal Journal*, 86(119), 143-170. <https://doi.org/10.22106/rlj.2021.533947.4281> [In Persian]
- Group of Authors (2021). *Annotated Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Guardian Council Research Center. [In Persian]
- Salehi Mazandarani, M., & Safiehsadat Molabashi, S. (2016). The Impact of the Methodological Distinction between Modern and Traditional Law on Legal Methodology, *Comparative Study of Islamic and Western Law*, 3(4), 125-152. [In Persian]
- Verbatim Minutes of the Final Review Assembly of the Constitution of the Islamic Republic of Iran* (1985). Tehran: Cultural Affairs and Public Relations Dept., Islamic Consultative Assembly, First Edition, Vol. 1. [In Persian]
- Ziaei, R., Norouzi, G., & Jahanbin, S. A. (2015). A Reflection on Acquired Rights in Light of the Rulings of the Administrative Justice Court, *Administrative Law Journal*, 2(8), 143-168. <http://qjal.smtc.ac.ir/article-1-88-fa.html> [In Persian]
- Tabatabaei, M. S. (2003). *Foundations of Compatibility of Islamic Laws with Social Developments*, *Comparative Law*, 0(5), 63-84. [In Persian]
- Tahan Nazif, H., & Mansourian, M. (2016). General Policies of Article 44: Informal Constitutional Revision or Use of the Capacity of Article 44, *Public Law Studies*, 5(15), 55-78. [https://mag.shora-rc.ir/article\\_99.html](https://mag.shora-rc.ir/article_99.html) [In Persian]
- Kadkhodaei, A. A., & Bahadori Jahromi, M. (2018). *Commentary on the Constitution: Chapter Six, Guardian Council*, Tehran: Guardian Council Research Center. [In Persian]
- Kadkhodaei, Abbas Ali, Farahani, Mohammad Sadegh, Lohrasbi, Amir (2024). Constitutional Supervision on International Treaties in the Legal System of the Islamic Republic of Iran, *Public Law Studies*, 13(2), 47-80. [10.22034/qjplk.2024.1821.1656](https://doi.org/10.22034/qjplk.2024.1821.1656) [In Persian]
- Mohammadi Kasjin, R., Farahani, M. S., & Fattahi Zarfargandi, A. (2023). The Status of Adherence to Precedents in Constitutional Supervision

- Models in the World and Iran, *Public Law Studies*, 12(4), 91-122. 10.22034/qjplk.2023.1684.1544 [In Persian]
- Nikoonahad, H. (2018). The Unwritten Continuation of the Written Principles of the Constitution: An Analytical Study on the Emergence, Validity, and Instances of Constitutional Practices in Iran, *Proceedings of the First National Conference on Unwritten Principles of the Constitution*. [In Persian]
- Nikoonahad, H., & Zandieh, Z. (2019). The Rule of Islamic Norms over the Generality of Constitutional Principles in the Practice of Guardian Council Jurists: A Case-based Review of the Effects of Sharia Supervision, *Public Law Studies*, 8(24), 109-132. 10.22034/qjplk.2019.175 [In Persian]
- Vijeh, M. (2011). Legal Security as a Condition for Judicial Security, *Rahbord Journal*, 20(58), 95-130 [In Persian]
- Hashemi, S. M. (2014). *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Mizan, Vol. 2. [In Persian]
- Spaic, B. (2018). The authority of precedents in civil law systems. *studia luridica lublinensia*, XXVII (1), 27-44. 10.2139/ssrn.3118291
- Stevens, K. (2016). *reasoning by precedents*. a thesis for Ma students as requirements for Phd degree, MacMaster university.
- Waldron, J. (2012). stare decisis and the rule of law: a layered approach. *Michigan law review*, 111 (1), 1-32. 10.2139/ssrn.1942557

### **Documents and Laws**

- The Constitution of the Islamic Republic of Iran  
Internal Regulations of the Guardian Council  
Status, Objectives, and Duties of the Supreme Council of the Cultural Revolution, Approved in 1997